



۲۰۲۰/۰۷/۲۸

حنیف رهیاب رحیمی

## در کجای تاریخ قرار داریم؟



همین چند روز پیش مردی به نام حاجی حسن خان احمدزی یکی از منتقدین ولایت بغلان در یک محفل بزرگ که در سالون یک هوتل برگزار شده بود در اعتراض به عملکردهای غیر خردمندانه حکومت و بخصوص شخص رئیس جمهور حین سخنرانی در پیشروی زن و مرد حاضر، لباسهایش را از تن بیرون کرد و خود را برهنه نمود.

این حرکت موصوف چوب سوخت خوبی برای گرم نگهداشتن اجاق شبکه های اجتماعی و رسانه ها شد که تقریباً همه کاربران موصوف را متعصب، دیوانه، روانی، بی ادب و ... خطاب نمودند. تا حال در هیچ جایی ندیده و نخوانده ام که فردی، این حرکت موصوف را تایید و یا تحسین نموده باشد.

حرکت عریان سازی در جوامع غربی هم رواج دارد، که گاهی مردم البته زن و مرد، در روی خیابان ها و چهار راهی ها به رسم اعتراض به طور دسته جمعی عریان می شوند و در روی زمین می خوابند. شاید موصوف از دیدن تصاویر آن مردمان این فکر به ذهنش آمده باشد که او هم خود را می تواند در محضر عام عریان کند.

اما اینجا افغانستان است. در اینجا اصول و قواعد فرهنگی مخالف غرب و حتی بسیار متفاوت از اکثر کشورهای شرقی حکمفرماست. در اینجا لنگی و یا لنگوته نشان عزت و شرف و غیرت است. به طور مثال هرگاه فرزند کسی به کار غیر اخلاقی و یا جرمی دست بزند موصوف می گوید این بی غیرت با این کارش لنگی مرا به زمین زد.

و یا در موضوع کشیدن تنبان، این در عرف مردم بدترین دشنام است که در شدید شدن بگو مگو بین دعوا کنندگان رد و بدل می شود. مثلاً اگر کسی شخص دیگری را به طور جدی مخاطب ساخته بگوید برو که بخدا تنبانه می کشم، جنگ بدون شک در بین این دو در می گیرد و طرف مقابل نمی تواند این توهین را تحمل کند.

ولی از اینها هم بگذریم، این حرکت این شخص و همچو اتفاقات دیگر مثلاً بزرگسالی در همین هفته گذشته از لوگر آمده بود و بالای رئیس جمهور نهیب می زند که:

❖ چرا ریش نمی گذاری؟

❖ چرا با طالبان صلح نمی کنی؟

و ... این واقعات در حقیقت بیانگر یک تراژیدی عمیق است که به مکتب و توجه جدی نیاز دارد.

در افغانستان دیده می شود که ۱۹ سال طلایی به هدر رفت. درین نزده سال به جز یک دیموکراسی افراطی و غیرمعیاری و ساختمان چند بلند منزل در شهر کابل و تبدیل شدن چند چپاولگر، گدا زاده، دزد و تفنگ به دست به میلیونرها، دیگر دست آوردی که بالای آن شاد شد، دیده نمی شود.

- امنیت به آخرین اندازه خراب است چنانچه از سال ها به این طرف به طور اوسط در هر دو ساعت یک جوان در جبهه جنگ شهید می شود. آنهم گرسنه و بدون غذا به خاطری که حتی از نان و قروانه سرباز می دزدند. تلفات افراد ملکی را کسی درست احصائی ندارد. (مسئول وزارت دفاع، داخله و امنیت ملی)
- اقتصاد به بدترین حالت قرار دارد. یک فابریکه ایکه در آن صد دو صد بیکار را کار و نان بدهد، به وسیله دولت تأسیس نشد. (مسئول رئیس جمهور و صدراعظم کشور)
- فساد به حدیست که روزانه به میلیون ها افغانی در بنادر بزرگ تورخم، اسلام قلعه، سپین بولدک و حیرتان حیف و میل می شود و به جای بودجه دولت به جیب زورمندان و مفسدین می رود. (مسئول کابینه و رئیس کابینه)
- در ادارات دولتی رشوت، اختلاس و واسطه بازی بیداد می کند. چوکی های پردرآمد به قیمت های گزاف به فروش می رسد و تنها کسانی به آن دست می یابند که پول دارند و لیاقت، تحصیل و مهارت مطرح نیست. اختلاس آنقدر رواج پیدا کرده که نصف پول کمک کشورهای خارج به خاطر مبارزه با ویروس کرونا را هم حیف و میل کردند. (مسئول وزراء و بازم صدراعظم و رئیس دولت)
- بیکاری به اوج خود رسیده، با وجود آگاهی از خطرات راه، هر روز جوانان و نوجوانان کشور از دست بی روزگاری به طور غیر قانونی به کشورهای ایران و ترکیه می گریزند تا از یکطرف جان خود را نجات دهند و از طرف دیگر اگر کار و شغلی دستگیر شان شد. (مسئول رئیس دولت و رئیس کابینه)
- جرایم جنایی به حدی زیاد و معمول شده که افراد دارای یک کار و تجارت آبرومندانه و کمی سرمایه را، در روز روشن اختطاف نموده و خواهان میلیون ها دالر پول در بدل رهایی وی می شوند. اگر به خواست شان جواب مثبت داده نشود آنقدر وحشی و بی رحم هستند که روزانه یک ناخن اختطاف شده را به شکل بی رحمانه با ساطور بریده و بخانه اش روان می کنند. منشاء چندین واقعه را که مستقیماً از زبان این مصیبت دیده ها شنیده ام، به مقامات بلند دولتی می رسد که قرار گفته یکی ازین اشخاص، پس از تعقیب اختطاف کننده ها رد پای مجرم بالاخره به دفتر حاجی الماس رسید که در آن وقت مشاور رئیس جمهور هم بود. (مسئول پولیس و امنیت ملی)
- اینکه در بین شهر و بازار موبایل را از دست باشندگان این سرزمین می دزدند، پول های شانرا می گیرند، موترها را دزدی می کنند و دکان ها بخصوص طلا فروشی ها را مانند فلم های هندی تاراج می کنند مسائل عادی اند. حتی موتر امبولانس را با جنازه در بین آن، دزدیدند. در اینگونه حوادث مردم هنوز کمی خوش هستند که اقلأ جان شان در امن است! (مسئول پولیس و امنیت ملی)
- میزان فقر از ۳۸ فیصد در سال ۲۰۱۴ به ۹۵ فیصد در سال ۲۰۲۰ رسید. خود رئیس جمهور بدون اینکه چین بر پیشانی بیاندازد می گوید: ۹۰ در صد نفوس کشور زیر خط فقر دو دالری زندگی می کنند. اما باز می فرماید: «اما احساس شان از یک ملت تواناست».
- راکت بازی های پاکستان در ولایت کنر اقلأ در ماه یکبار رخ می دهد و چندین کشته و زخمی بجا می گذارد. دولت تنها و صرف این زدن ها را تقبیح می کند و هشدار می دهد. (مسئول وزارت های دفاع، خارجه و رئیس دولت)
- کابینه در چهار سال گذشته صاحب وزیر نشد و بخاطر بی اتفاقی و دعوای بین دو رهبر توسط وزیران سرپرست اداره شد و اینک اکنون با تشکیل حکومت جدید باز هم همان ساز است و همان تنبور. درین روزها رسانه ها و سیاسیون، اصطلاح کابینه غیرمشروع را بهکار میبرند که اگر این نام درمورد فرزند کسی بهکار برده شود به عاقبت خوب نمی انجامد.

شاعری گفته:

کتاب مدح ترا آب بحر کافی نیست  
که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم

بناءً شمردن این همه معایب و نواقص که نصف بیشترش هنوز باقی مانده ضیاع وقت است زیرا نه کسی به آن توجه می کند و نه هم اصلاح شدن نیست. اما آنچه را می خواستم درین درد دل نامه بیان کنم اینست که:

از دیدن این همه واقعات با تأسف این نتیجه به دست می آید که مردم کشور هنوز آماده پیشرفت، ترقی و تمدن ساخته نشده اند. این گناه بزرگ قدرتمندان و رؤسای دولت چون کرزی، اشرف غنی و عبدالله است. بیشتر مردم کشور هنوز هم با همان افکار و اعتقادات زمان شاه امان الله زندگی می کنند. از دیدن خانمی از قریه خودشان که به جرم صحبت تلفونی با پسری و یا بدون محرم از منزل بیرون رفتن به سنگسار و یا تازیانه زدن محکوم گردیده اند احساس آرامش و خوشی می کنند.

اشخاص بانفوذ، شهر دیده و باسواد آنقدر در دریای تعصب و جهالت غرق هستند که به نام همدیگر پذیری اصلاً پدیده ای را نمی شناسند و در یک کشور بزرگ که متشکل از اقوام گوناگون و متعدد است، تنها خود را و قوم خود را دیده می توانند و بس. اعطای رتبه مارشالی به عبدالرشید دوستم خواب را بر آقای حسن خان احمدزی و بسیاری هم مانندانش حرام ساخته به حدی که تنبان خود را در اعتراض به این امر کشید، موجودیت محقق در نظام به طبع این حاجی صاحب برابر نیست، لنگی را به خاطر او به زمین زد، عبدالله عبدالله بیکاره و سازشکار است، پیرهن خود را به خاطر عبدالله فدا کرد تا جاییکه حرمت چند خانمی را که در محفل حضور داشتند، هم در نظر نگرفت و به برهنه کردن تن گنده اش ادامه داد. این جنون و دیوانگی از انتهای تعصب و نفرت و زبونی بیش از اندازه این شخص سرچشمه می گیرد که در برابر اقوام و مردمان غیر پشتون این دیار دارد.

بسیاری اشخاص و افراد در رابطه به اعطای رتبه مارشالی به عبدالرشید دوستم و موجودیت محقق و سستی عبدالله عبدالله ممکن نا آرام و ناراضی باشند اما نازکی اوضاع سیاسی و امنیتی کشور ایجاب می کند که برای نکوهش و تحریم و تقبیح آن نباید جامه درید و به جاده ها ریخت و یا خود را اینطور بی عزت و بی آبرو ساخت.

تغییر ذهنیت های مردم هنوز هم به کار خیلی دامن دار و عمیق نیاز دارد که اگر در همین نوک بام که قرار داریم احتیاط نکنیم، قدم سازنده و سنجیده برداریم و راه درست نجات خود را انتخاب نکنیم، افتادن ما از بام قطعی و حتمیست. و میرویم به پنجاه الی صد سال گذشته تا باز از سر شروع شود و نتیجه این میشود که اینوطن روی ترقی و پیشرفت را در زندگی نخواهد دید.

یک دکه از بیرونی ها که از همکاری با ما دیگر به تنگ آمده اند و یک اشتباه از بی اتفاقی و ناتوانی ما در شناخت خود ما، ما را در پرتگاه سقوط می اندازد.

اما بدبختی درینجاست که ما نمی آموزیم و غیرت افغانی ما اجازه نمیدهد که از دیگران بیاموزیم! از پاکستان، از ایران از غرب از مردمان پیشرفته دنیا که از ما برتری اقتصادی و اجتماعی دارند، نمی آموزیم و نمیخواهیم بیاموزیم. نمیدانم که ما در کجای تاریخ قرار داریم



تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

در کجای تاریخ قرار داریم؟

[rahimi\\_rz\\_dar\\_kodjay\\_tarikh\\_qarardarem.pdf](#)

de/UploadCenter/rahimi\_rz\_dar\_kodjay\_tarikh\_qarardarem.pdf